



علامه طباطبایی و بررسی روایات قرآنی

دکتر شادی نفیسی
دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه:

دانش پژوهان و عالمان، با بهره گیری از رهنمودهای پیامبر اکرم* و ائمه طاهرين^(ع) بیشتر به بررسی احادیث فقهی پرداخته و معیارهایی برای فهم این روایات بیان کرده‌اند، اما در حوزه احادیث غیر فقهی بیشتر راه احتیاط پیموده‌اند و غالباً از بررسی و داوری صریح و آشکار درباره این دسته از احادیث اجتناب کرده‌اند. در میان اندیشمندان و متفکران اسلامی معاصر، علامه طباطبایی در بحث‌های روایی (تفسیرگرانسنگ المیزان) پس از ذکر روایات مربوط به آیات قرآن از ابتداء تا انتها با توجه به متن احادیث، آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه در این مقاله بدان پرداخته‌ایم بررسی روایات قرآنی در تفسیر المیزان است لذا در ابتدا به معرفی (المیزان فی تفسیر القرآن) پرداخته و به اختصار موضوع بررسی روایات قرآنی را مطرح می‌سازم. مقصود از بررسی روایات، در دو ناحیه است: ۱) سندیت داشتن آنها ۲) تحلیل آنها در صورت داشتن سند صحیح.

۴۸ شناختی از المیزان:

تفسیر گرانسنگ «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر علامه طباطبایی (ره) است «المیزان» یکی از بزرگترین آثار علمی علامه طباطبایی است که در نوع خود کم نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه و پس از تفسیر (تبیان) شیخ طوسی (ره) و مجمع البیان طبرسی (ره) بزرگترین و جامع ترین تفسیر شیعی است. و از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری بی نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر، به کارگیری «تفسیر قرآن به قرآن» است. این روش در کار مفسر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره های مختلف را در کنار یکدیگر قرار می دهد، تحلیل و مقایسه می کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبیری و اجتهادی توسل می جوید. علامه در تفسیر المیزان به رغم روش غیر نقلی در تفسیر قرآن کریم، به ذکر (روایات) پرداخته و روایات متناسب با آیات و مباحث مطروحه را با چینش مثال زدنی، در ذیل هر دسته از آیات آورده است.

علامه، ضمن تفسیر، روایات مربوط به آیات را ذکر کرده اما در بخش مستقلی با عنوان «بحث روایی»، به ذکر روایات و بررسی آنها پرداخته است و این یکی از امتیازات قابل توجه تفسیر المیزان می باشد.

۴۹ روند معیارهای فهم و نقد روایات در تفسیر المیزان

بررسی روایات در تفسیر المیزان به شکل خاص و با اصول و ضوابط ویژه ای انجام گرفته است. یکی از امتیازات بحث روایی در المیزان این است که علامه برای نقل روایات از منابع مختلف شیعه و سنی استفاده کرده و نقل های متعدد یک روایت را از راه های مختلف ارائه نموده است. علامه به طرح روایات مربوط به اسباب النزول قرآن پرداخته و آنگاه معیارهای فهم و نقد آنها را بیان داشته است. همچنین معیارهای فهم و بررسی روایات را درم وارد ذیل به زیبایی تدوین نموده است، که به ترتیب به آنها اشاره می شود:

۱- معیارهای فهم و بررسی «روایات» مربوط به اسباب النزول آیات و سوره قرآن.

۲- معیارهای فهم و بررسی «روایات» مربوط به آیاتی که در حق ائمه معصومین علیهم السلام آمده است.

۳- معیارهای فهم و بررسی «روایات» مربوط به آیات اعتقادی قرآن کریم

۴- معیارهای فهم و بررسی «روایات» مربوط به آیات و سوره داستانی و قصص قرآن کریم. (۱)

آنچه قابل توجه در «بحث های روایی» المیزان است، بررسی روایات موجود در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عصر ائمه معصومین علیهم السلام



۱- المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، ص ۸۴، علامه سید محمد حسین طباطبائی.

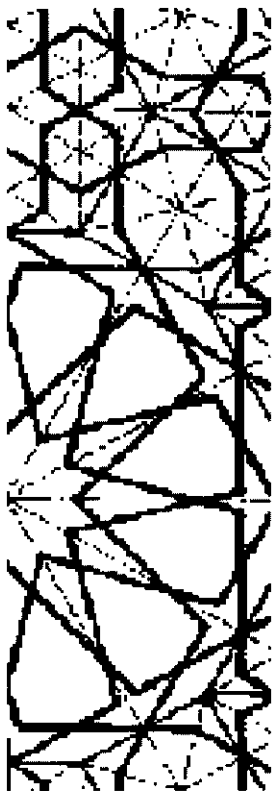
توجه به سلسله روایات و متون روایت شده منطبق با آیات مطروحه می باشد. نگرش علامه در اصول و مبانی و روش نقادای ایشان در هر یک از حوزه های یاد شده، مشخص کننده ی - معیارهای فهم و بررسی «روایات» می باشد. علامه در بررسی روایات به ندرت «ضعف سند» روایات را تنها مینا و معیار داوری برای رد کردن و نپذیرفتن روایات عنوان نموده است.

از جمله مطالب قابل توجه در این بررسی، نگرش علامه به روایات وارده از صحابه است. علامه برخلاف نظر اهل سنت که روایات تفسیری صحابه را که شاهد نزول وحی و قرآن کریم بوده اند در حکم مرفوع دانسته و بر این باورند که صحابیان رسول خدا ﷺ از آن روی که قرآن کریم بر زبان آنان نازل شده و در عصر خویش در فصاحت و بلاغت سرآمد دیگران بوده اند، و نسبت به اسباب نزول و فهم ظروف و احوال و وقایع و حوادثی که قرآن کریم درباره آن نازل شده است، اهتمام و علم کامل داشته اند و به جهت درایتی که در علوم قرآنی از آن برخوردار بوده اند و نیز از آن روی که نسبت به سنت نبوی احاطه کامل داشته اند، بهتر و بیشتر از دیگران به تفسیر آیات احاطه داشته و به نقل آن پرداخته اند معتقد بوده اند که آثار منقول از صحابه و تابعین در تفسیر آیات قرآن مستقلاً حجت نمی باشد. دیگر آنکه روایات تفسیری آنچنان آلوده به روایات جعلی و دروغین و آثار تزویری و اسرائیلیات و نصرانیات است که بازشناسی سره از ناسره ی آن کاری است بس مشکل و طاقت فرسا و مهمتر آنکه روایات تفسیری شامل همه آیات قرآن نمی شود و نسبت به بسیاری از آیات، روایتی از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ وجود ندارد. و لذا علامه، مباحث روایتی و بررسی آنها را در چهار موضوع کلی که قبلاً ذکر آن شد مطرح ساخته است.

سه گونه های مختلف روایات تفسیری از ائمه معصومین ﷺ:

یکی از نکات مهم در روند تبیین معیارهای فهم و بررسی روایات تفسیری - گونه های مختلف روایات تفسیری است. روایات اهل بیت عصمت و طهارت در تبیین و تفسیر آیات قرآن به پنج دسته تقسیم می شود.

- ۱- پاره ای از روایات اهل بیت، عهده دار بیان پیش ف [] هایی است که مفسر قرآن باید آگاهی هایی در مورد آنها داشته باشد.
- ۲- روایاتی که می نمایند که مفسر قرآن چه انتظاریهایی از قرآن می تواند داشته باشد و به دنبال چه نوع معارفی باید باشد.
- ۳- احادیثی که ویژگی و شرایط زمانی نزول قرآن را مطرح



کرده اند و مفاهیم برخی از واژگان را که در زمان جاهلیت مورد استفاده قرار گرفته و قرآن در صدد نفی آن مفاهیم و یا نقد آنها بوده است را توضیح می دهند و این یعنی معنی شناسی در ظرف زمانی نزول و موقعیت تاریخی.

۴- احادیثی بر محور اصلی مباحث قرآنی، که آن را همچون پیکره ای واحد دارای معنی می سازد.

۵- روایاتی که آیات را، بر حسب فهم همه عصرها و زمان ها معنا می کند (چرا که آنها شاهدان بر اهل تمام عصرهایند)

۵۳ ویژگی های روایات تفسیری صحابه:

۱- بخشی نگری و عدم اهتمام به تفسیر همه آیات.
۲- اجمال گرایی و عدم ژرف کاوی در تبیین مفاهیم آیات.
۳- اکتفا به شناخت معانی لغوی آیات.

۴- در تفسیر صحابه بحث تفسیری مبسوط و مفصل وجود ندارد. * توضیح آنکه، آنچه از روایات تفسیری بلند و مشروحی که از اصحاب و تابعان نقل شده و یا منسوب به آنها شده، جای درنگ دارد و تحقیق نشان می دهد که این گونه احادیث با چنین محتواهایی، می بایست مربوط به دانشمندان یهود و نصاری باشد و اگر هم فردی از صحابه و تابعان آن را نقل کرده باشد، ناقل آراء و اندیشه اهل کتاب بوده است و نه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۵- تفسیر برخی از آیات قرآن در نگاه اصحاب، حریم ممنوعه به حساب می آمده به گونه ای که نه تنها خود در آن آیات سخنی و روایتی نگفته اند بلکه دیگران را نیز از سخن گفتن در آن باره بر حذر داشته اند.

علامه طباطبایی در این زمینه می نویسد:

«از صحابه رسول خدا شنیده نشده که در معضلات قرآنی مثل مسأله عرش، کرسی و سایر حقایق قرآنی، وحی در اصول معارف مثل مسأله توحید و مانند آن بحثی کرده باشند، بلکه این طبقه از مسلمانان تنها به ظواهر قرآن اکتفا کرده اند و تابعان و مفسران بعد از آنها نیز به همین شیوه مشی کرده اند.» (۲)

امام صادق علیه السلام در باب روایات تفسیری صحابه و تابعین فرموده اند:

«آنها به طلب دانش از غیر اوصیاء پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند و آنچه را به آنها گوشزد شده بود فراموش کردند و بدان سبب آنان قسمتی از قرآن را با قسمتی دیگر رد کرده اند، به منسوخ احتجاج کرده اند، به پندار اینکه ناسخ است، به متشابه احتجاج کرده اند به این اعتقاد که محکم است، به خاص تمسک کرده اند و گمان کرده اند



۲- میزان فی تفسیر القرآن، جلد ۸، ص ۶۱، علامه سید محمد حسین طباطبائی.

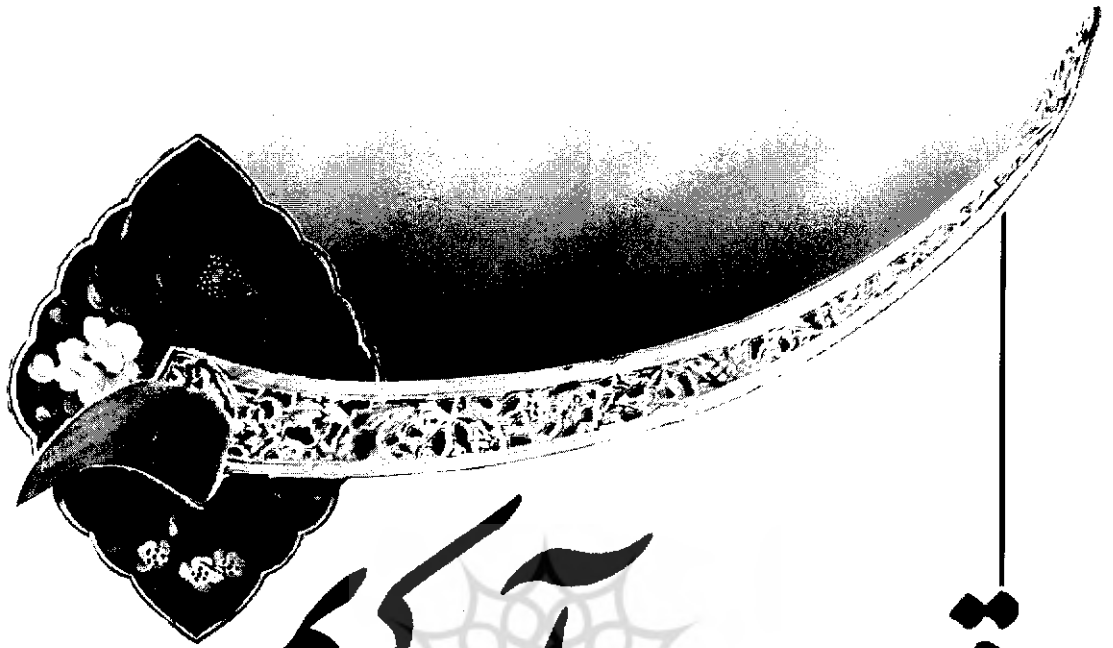
که عام است، به اول آیه احتجاج کرده اند ولی سبب تأویل آن را فرو گذاشته اند، به مطلع و ختام سخن توجه نکرده اند. به موارد و مصادر سخن نیندیشیده اند، زیرا آن را از اهلش فرا نگرفته اند، در نتیجه گمراه شده و گمراه کرده اند.

«خدا شما را پیامرزد، بدانید که هر کس در کتاب خدا، ناسخ را از منسوخ، خاص را از عام، محکم را از متشابه، رخص (مباحات) را از عزائم (واجبات)، مکی را از مدنی - اسباب نزول، مبهمات قرآن در الفاظ مقطعه و غیر مقطعه، مطالب مربوط به قضا و قدر، تقدم و تأخر - مبین و عمیق و ظاهر و باطن، ابتداء و انتها، سؤال و جواب، قطع و وصل، مستثنی را از غیر مستثنی، و صفت ما قبل را که در ما بعد جاری است، مؤکد، موصول را از محمول بر ما قبل و مابعدش، نشناسد و امتیاز ندهد، آگاه به قرآن نیست و اهل قرآن به شمار نمی رود. هر گاه فردی بدون آشنایی با این امور ادعای فهم قرآن کند دروغ گو و مفتری است که بر خدا و پیامبرش ﷺ به دروغ افتراء می بندد، جایگاه او جهنم است که بد جایگاهی است» (۳)

با آنچه به اختصار آمد، تفاوت های چشمگیر روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام با روایات تفسیری صحابه و تابعان در بررسی های معلوم شد و معیارهایی برای نقد و بررسی روایات مطروحه در این باب آشکار گردد. (۴)

والسَّلَام





قرآن کریم

تعلیم و تربیت

قرآن کریم

تعلیم و تربیت

یادگیری سبز فطرت
قرآن، کودکان و یادگیری

تعلیم و تربیت